

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران

شراره مهدی‌زاده*، ناهید صالحی**

چکیده: این مقاله بر این فرض شکل گرفته است که اشتغال زنان و نیز قدرت مالی و نگرش‌های جنسیتی آنان، ضرورت‌های کارکردی جدیدی را در تقسیم نقش‌های خانگی ایجاد نموده است و اثراتی بر روابط زوجین باقی گذاشته است که نظام سنتی حاکم بر روابط زوجین را به چالش می‌کشد. هدف از انجام این تحقیق، شناخت تأثیر وضعیت اشتغال زنان (زنان بهورز)، قدرت مالی و نگرش‌های جنسیتی؛ بر روابط زوجین در ابعاد قدرت تصمیم‌گیری و تقسیم‌کار خانگی در خانواده‌های روستایی استان تهران است. سنجه روابط زوجین از دو بُعد میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در امور اساسی خانواده و میزان مشارکت همسران‌شان با آنان در انجام کارهای مربوط به خانه ساخته شد. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه و با انتخاب نمونه‌ای بالغ بر ۴۰۰ نفر از زنان بهورز و خانه‌دار ساکن در روستاهای اطراف استان تهران و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. برای تحلیل اطلاعات از مقایسه درصدها و میانگین‌ها، ضرایب همبستگی I پیرسون و eta، آزمون t استیودنت و تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان بهورز که شغلی متفاوت از مشاغل سنتی داشته و در تعامل با محیط و افراد خارج از روستا هستند؛ و همچنین زنانی که تمکن مالی دارند، بیشتر بر پایه تقسیم کار مشارکتی در خانواده عمل می‌کنند و سهم بیشتری در اتخاذ تصمیمات مربوط به خانواده دارند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، تقسیم کار جنسیتی، نگرش‌های جنسیتی، خانواده روستایی.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. از جمله عوامل مؤثر بر تحولات اقتصادی-اجتماعی

sh.mehdizadeh@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه الزهرا

جوامع، مشارکت فزاینده زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و ورود آنها به عرصه عمومی بوده است که اثرات بسیاری بر ساخت خانواده و دگرگونی در الگوهای روابط خانوادگی (به خصوص کنش متقابل زن و شوهر) و تغییر در مفهوم نقش زن به جای گذاشته است. کار بیرون از خانه، وظایف روزانه زنان را به چهار بخش: ۱) کار برای دریافت مزد، ۲) خانه‌داری، ۳) پرورش کودک و ۴) وظایف زناشویی و همسرداری، تبدیل ساخته است (کستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۶). این نقش جدید جایگاه و موقعیت زنان را در خانواده تغییر داده است. اولین پیامد مشارکت زنان در مشاغل درآمدزا، اهمیت یافتن سهم اقتصادی زنان در بودجه خانواده و به تبع آن افزایش قدرت زنان در امور خانواده است. سیر تغییرات ایجاد شده در خانواده، نشان می‌دهد که خانواده از شکل سنتی به سوی مدرن در حرکت است. در خانواده سنتی، مرد به علت قرار گرفتن در رأس هرم قدرت خانواده به عنوان تنها نان‌آور و تأمین‌کننده منابع اقتصادی از قدرت بالایی در اتخاذ تصمیمات مربوط به امور خانواده برخوردار است. قرار گرفتن زن در قاعده هرم قدرت خانواده و داشتن نقش‌های عاطفی و احساسی، سهم بسیار اندکی را در اتخاذ تصمیمات مهم زندگی به وی بخشیده است. از جمله پیامدهای تفکیک نقش‌ها بر اساس جنسیت افراد در خانواده، عدم مشارکت شوهر در کارهای خانگی و سهم اندک زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم در خانواده است. در مقابل در خانواده مدرن، تا حدی شاهد اشتراک و برابری زوجین در انجام وظایف و مسئولیت‌های مربوط به امور خانواده هستیم. به طوری که تنها نقش زن؛ خانه‌داری، همسرداری و بچه‌داری و تنها وظیفه مرد؛ نان‌آوری و تأمین درآمد خانواده نیست، یعنی زنان (شاغل) و مردان در تأمین امور اقتصادی، اخذ تصمیمات و تقسیم وظایف و مسئولیت‌های مربوط به امور خانه، با یکدیگر شریک هستند. در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، مشاهده می‌شود که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد این تغییرات، اشتغال زن است. نتایج حاصله از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زن و کسب درآمد، از یک سو موجب افزایش قدرت زنان در اتخاذ تصمیمات و از سوی دیگر باعث افزایش مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی و به طور کلی تغییر تقسیم وظایف و نقش‌ها از شکل سنتی (تفکیک نقش‌ها بر اساس جنسیت) به شکل مدرن (برابری زوجین در وظایف و نقش‌ها) می‌شود. مطالعات در میان خانواده‌های روستایی نشان می‌دهد که زنان به دلیل عدم استقلال اقتصادی و تمکن مالی و نیز حاکمیت نگرش‌های جنسیتی از قدرت کمی در اتخاذ تصمیمات مربوط به خانواده برخوردارند. زنان روستایی، علی‌رغم مشارکت در فعالیتهای تولیدی، دامی، کشاورزی و... و سهم قابل توجه‌شان در تأمین درآمد خانواده، همچنان نسبت به مردان از قدرت پایین‌تری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی برخوردارند و کماکان این مردان هستند که کنترل امور مربوط به خانواده را بر

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۷۱

عهده دارند که علت این امر، پذیرش نقش‌های جنسیتی از سوی زنان و همچنین نداشتن دستمزد مستقل در مقابل فعالیت‌هایشان، که به‌عنوان وظایف‌شان تعریف شده است، می‌باشد. مرد به‌عنوان شوهر در رأس هرم قدرت خانواده قرار داشته و زنان به دلیل داشتن نقش‌های عاطفی و احساسی (به تعبیر پارسونز)، از قدرت کم و ناچیزی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار هستند و قدرت‌شان در حد اظهار نظر است. مسئله مهمی که پژوهش‌ها نشان داده‌اند این است که علی‌رغم مشارکت زنان روستایی در تأمین درآمد خانواده از طریق مشارکت و همکاری با شوهر در کارهای کشاورزی، دامداری و ... زنان سهم ناچیزی در اخذ تصمیمات مهم در خانواده دارند و تغییر محسوسی در توزیع قدرت به نفع زنان و همچنین مشارکت شوهر در انجام کارهای خانگی مشاهده نمی‌شود، که دلایل آن عبارتند از:

۱- زنان روستایی از استقلال مالی برخوردار نبوده و بخش اعظم آنها علی‌رغم مشارکت‌شان در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، از هیچ‌گونه درآمد مستقلی برخوردار نیستند. ۲- جامعه‌پذیری زنان روستایی مبتنی بر نگرش‌های جنسیتی سنتی است. ۳- بر پایه این نگرش مشارکت زنان در کارهای کشاورزی، دامداری و ... به عنوان بخشی از مسئولیت خانگی آنان شمرده می‌شود. لذا این نوع نگرش، نداشتن قدرت مالی و وجود کلیشه‌های جنسیتی نسبت به نقش زنان در خانواده، به تثبیت و تحکیم موقعیت فرودست زنان روستایی پرداخته و هرم قدرت را به نفع مردان شکل داده است. با به‌وجود آمدن موقعیت‌های تازه شغلی (شغل بهورزی) در روستاهای ایران، زمینه برای مطالعه روابط زوجین در خانواده‌های روستایی فراهم شد. آنچه برای بررسی جالب توجه به‌نظر می‌رسد؛ خصوصیات این شغل و تأثیر آن بر روابط زوجین است. از جمله این خصوصیات موارد ذیل را می‌توان برشمرد: کسب درآمد مستقل برای زنان، داشتن ارتباط فعال و مستمر با محیط خارج از خانه، خروج از روستا جهت شرکت در جلسات و آموزش‌های مداوم (که هر ماهه در فضای خارج از روستا و در یک محیط جدید، شبکه‌های بهداشت شهرستان‌ها، صورت می‌گیرد) و ارتباط با سایر زنان شاغلی که در شبکه‌های بهداشت شهری مشغول به کار هستند.

این سؤال مطرح است که آیا ظهور این نقش شغلی جدید تأثیری بر روابط زوجین داشته است. آیا با ورود زنان (روستایی) به عرصه عمومی و کسب درآمد و یا داشتن تمکن مالی و یا تفاوت در نگرش‌های جنسیتی، تفکیک نقش‌های سنتی در خانواده تحت تأثیر قرار گرفته و به تبع آن چگونگی روابط زوجین که در این بررسی در ابعاد تصمیم‌گیری و تقسیم کار سنجیده شده، دچار تحول شده است؟

با توجه به نقش سازنده زنان روستایی در توسعه جوامع، از آنجا که مطالعه جامعه‌شناختی در مورد زندگی خانوادگی بهورزان^۱ روستایی انجام نگرفته است و با توجه به اهمیت نقش آنها در ارتقای شاخص‌های بهداشتی و سلامت خانوارهای روستایی، بررسی رابطه این نقش شغلی جدید در نظام روابط درون خانواده ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا اهداف اصلی این تحقیق بررسی رابطه اشتغال زنان بهورز با روابط زوجین در ابعاد تصمیم‌گیری و تقسیم‌کار در خانواده‌های روستایی می‌باشد. همچنین شناخت رابطه نگرش‌های جنسیتی و قدرت مالی آنان بر ابعاد روابط مذکور، از دیگر اهداف این تحقیق است.

پیشینه پژوهش در ایران

نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در روستاهای ایران از جمله بررسی اجتماعی و اقتصادی نقش زنان در روستاهای آهندان که توسط مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی در سال ۱۳۶۹ انجام شده و بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن در جامعه روستایی ایران با تأکید بر منطقه ایوانکی که توسط مطیع در سال ۱۳۶۶ انجام گرفت؛ در خصوص سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های تولیدی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور خانواده، حاکی از آن است که به‌رغم فعالیت‌های مختلف زراعی، دامداری، صنایع دستی و خانه‌داری زنان روستایی، آنها به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سهم اندکی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانه دارند. طبق این تحقیقات در واقع عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های عمده در اکثریت زنان روستایی درونی شده و آنها به قابلیت‌های موجود در خود باور ندارند و به همین علت اکثریت آنها معتقدند که تصمیم‌گیری‌های اساسی در خانواده باید توسط مردان گرفته شود (جارالهی، ۱۳۷۹: ۲۱۶).

مشهور (۱۳۵۵) نیز در تحقیق خود با عنوان بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستایی اطراف تهران، به سهم بسیار ناچیز زنان در تصمیم‌گیری‌های تولیدی و اداره امور خانواده اشاره می‌کند و علت آن را در بهم‌پیوستگی وظایف خانگی و فعالیت‌های تولیدی دانسته و اینکه مزدی به این فعالیت‌های زنان روستایی تعلق نمی‌گیرد. از نظر وی هنگامی که در همین محیط‌های روستایی، زن در قبال کار خود مزد دریافت کند و شاغل محسوب گردد، قدرت تصمیم‌گیری وی در خانه افزایش می‌یابد.

۱. نیروهای انسانی فعال در خانه‌های بهداشت روستایی، بهورز نامیده می‌شوند. بهورزان باید بومی بوده و یک دوره آموزش ۲ ساله را از طریق بحث گروهی و تمرین، جهت ایفای نقش در خانه بهداشت روستا طی نمایند. مهم‌ترین وظایف بهورزان عبارتست از: سرشماری سالانه جمعیت، آموزش مردم و جلب مشارکت آنان در زمینه‌های مختلف و ارائه خدمات مشاوره خانواده، مبارزه با بیماری‌ها و بهداشت محیط.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۷۳

هاشمی (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان در تولید قالی: تعاونی فرش دستباف بادبزین، در خصوص تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌هایی که زنان بافته‌اند، نشان داد که مشارکت زنان روستایی در این مورد بسیار کم است. به طوری که در ۸۲ درصد از خانواده‌های روستایی، مردان به تنهایی تصمیم می‌گیرند و در هشت درصد از موارد، زن و مرد به‌طور مشترک درباره چگونگی مصرف درآمد به دست آمده از فروش قالی تصمیم‌گیری می‌کنند. در بررسی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۶) در مورد نقش مدیریتی زنان روستایی، اکثریت زنان پاسخگو، میزان مشارکت خود را در امور منزل (شامل: تنظیم بودجه خانوار، انتخاب شغل، تنظیم خانواده، آموزش فرزندان و ازدواج) بسیار کم گزارش کرده‌اند. در این بررسی، بیشترین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها، مربوط به برنامه تنظیم خانواده و آموزش فرزندان بوده است (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲).

مبانی نظری

قدرت در خانواده

برقراری روابط اجتماعی به عنوان یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان‌ها هم هدف و هم وسیله ارضای نیازهای دیگر است. به تعبیر وبر، منظور از روابط اجتماعی، ارتباط و وابستگی متقابل انسان‌ها و جهت‌گیری رفتاری آنهاست. در بررسی روابط اجتماعی میان افراد و از جمله روابط زوجین مهم‌ترین موضوع شناخت قدرت و چگونگی توزیع آن در درون خانواده است. از مفهوم قدرت تعاریف گوناگونی شده است. چنان‌که پترسون آن را به معنای امکان نفوذ بر دیگری به منظور ایجاد نتیجه دلخواه می‌داند (درویش‌پور^۱، ۲۰۰۳: ۲۹۱). از نظر وبر قدرت در چارچوب یک رابطه اجتماعی قرار می‌گیرد که در آن یکی از فاعلان اراده خود را بر دیگری تحمیل می‌کند (آرون ۱۳۷۷: ۶۲۷). به‌نظر مالهوترا در زنان ابعاد اعمال قدرت عبارتند از: ۱- بعد اقتصادی - اجتماعی که شامل سهم اقتصادی زنان در خانواده، میزان دسترسی به منابع اقتصادی - اجتماعی و مالکیت وسایل با ارزش تولیدی و غیر تولیدی می‌گردد. ۲- بعد خانوادگی در برگزیده مشارکت و سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده است که با افزایش عزت نفس، قدرت چانه‌زنی و کنترل بر منابع و استقلال آنان، بیشتر می‌گردد. ۳- بعد روانشناختی، شامل آگاهی جنسیتی زنان از حقوق خویش و توانایی مقابله با مخاطرات زندگی است. افزایش این آگاهی منجر به

¹ . Darvishpour, M.

اعتماد به نفس، آزادی در انتخاب و توانایی مقابله با مشکلات خواهد شد. وی با استفاده از این سه بُعد به شش دسته شاخص توجه نمود: ۱- سهمین شدن در درآمد خانواده ۲- دسترسی به منابع ۳- مالکیت وسایل با ارزش ۴- شرکت در تصمیم‌گیری‌ها ۵- آگاهی جنسیتی ۶- ظرفیت مواجهه با خطرات (مالهوترا^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). چگونگی توزیع قدرت در روابط زوجین، همواره با قدرت اتخاذ تصمیمات مهم و تقسیم کار و وظایف همراه بوده است، لذا در بررسی روابط زوجین، این ابعاد مورد توجه است:

الف- قدرت تصمیم‌گیری

رویکرد استاندارد برای تحلیل قدرت در خانواده مدل تصمیم‌گیری است (آلن و کراون^۲، ۱۷:۲۰۰۱) با استفاده از این مدل، بلود و ولف در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۶۰ در میان ۹۰۰ زوج در بوفالو و نیویورک انجام دادند، از زوجین سؤال کردند در اخذ تصمیمات مهم در زندگی خانوادگی، چه کسی در نهایت تصمیم‌گیرنده است. هوگان نیز در مطالعات خود در اتیوپی نشان داد که مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌های خانگی ناشی از قدرت آنها در خانواده است (اریجیلی و هیتون^۳، ۲۰۰۶: ۲۷) از دیدگاه دنس، بخش اعظم تعریف نقش‌های جنسیتی در خانواده از طریق بررسی جریان‌های تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد (دنس^۴ و همکاران، ۱۹۹۸: ۵۷۱). در بررسی توزیع قدرت در میان زوجین، حوزه‌های مختلفی قابل تفکیک است. چنانکه ایسوان به ابعاد زیر توجه دارد:

۱- قدرت تصمیم‌گیری در تعیین مولید

۲- قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی

۳- قدرت تصمیم‌گیری در روابط اجتماعی

۴- استقلال فرد در خانواده (ایسوان^۵، ۱۹۹۱: ۱۰۶۳).

میتی نیز قدرت تصمیم‌گیری را در دو بعد بررسی می‌کند:

۱- بعد اجتماعی: تحصیل فرزند، مراقبت از فرزند هنگام مریض شدن، رفت و آمد با اقوام

۲- بعد اقتصادی: هزینه‌های روزانه خانواده، تأمین نیازهای شخصی، مدیریت امور مهم مالی مانند خرید و فروش زمین، تلویزیون، یخچال، ماشین) (میتی^۶، ۲۰۰۱).

1 . Malhotra, A., et.al.

2 . Allan, G. & Crown, G.

3 . Orgili, Y.; Heaton, T.

4 . Danes, s; Ramona. F; et.al.

5 . Isvan, Nilufer A.

6 . Meitei, M.H.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۷۵

اریجیلی و هیتون بیان می‌دارند که راه معمول اندازه‌گیری قدرت زوجین در خانواده از طریق بررسی میزان دسترسی به منابع مالی می‌باشد (اریجیلی و هیتون، ۲۰۰۶: ۲۸). سایر مطالعات مانند تحقیقات بلود، ولف، هیر در امریکا و رنه کونیک، میشل، لوبری و دیگران در اروپا نشان داده‌اند که اشتغال زن با کاهش قدرت شوهر و برابری در تصمیم‌گیری همراه است که مبین بهبود پایگاه زن در زندگی زناشویی است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). در واقع زنان با کسب درآمد تنها بر درآمد و هزینه‌های خانواده کنترل می‌یابند بلکه سهم آنان در اخذ تصمیمات مربوط به خانواده افزایش یافته و نیز آگاهی آنها از دنیای خارج از خانه بهبود می‌یابد.

ب- تقسیم کار

برای بررسی چگونگی تقسیم کار میان زوجین در خانواده به سهم هر یک از زوجین در انجام کارهای خانه بر پایه تمایز جنسیتی در وظایف توجه می‌گردد (کلترین^۱، ۲۰۰۰). در مطالعات مختلف منظور از کار خانگی، کار غیر دستمزدی است که برای حفظ خانواده انجام می‌شود.

طبق چندین پیمایش ملی انجام شده در امریکا، در تقسیم کار در خانه به دو دسته عمده از وظایف توجه می‌شود:

الف- کارهای خانگی شامل:

- | | |
|------------------------------|-------------------|
| ۱- پختن غذا | ۱- مراقبت فیزیکی |
| ۲- شستن ظروف | ۲- مراقبت احساسی |
| ۳- مرتب کردن خانه | ۳- بازی کردن |
| ۴- شستن لباس‌ها | ۴- رسیدگی به درس |
| ۵- مدیریت هزینه‌های روزمره | ۵- سرزدن به مدرسه |
| ۶- خرید کالاهای ضروری روزمره | ۶- صحبت کردن |
| ۷- خرید کالاهای بزرگ | ۷- دکتر بردن |

مطالعات نشان داده‌اند زنان روستایی که مشاغل غیر سنتی دارند و ارتباط زیادی با دنیای خارج از روستای خود دارند درک و آگاهی بیشتری نسبت به نقش جنسیتی خود داشته رفتار و نگرش آنها نسبت به این نقش‌ها تغییر می‌یابد (لی و لاولی^۲، ۲۰۰۳: ۸۹).

1 . Coltrane, Scott.

2 . Li, Y. & Lavelly, W.

در نظریه‌های جامعه‌شناسی تبیین‌های مختلفی درباره توزیع نقش‌ها، تقسیم‌کار و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و همچنین اثرات اشتغال زنان بر روابط زوجین وجود دارد. از جمله این نظرات می‌توان به نظریه‌های تفکیک نقش و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، همچنین رویکردهای فمینیستی و تئوری منابع اشاره نمود.

نظریه‌های تفکیک نقش و جامعه‌پذیری جنسیتی

پارسونز به‌عنوان نظریه‌پرداز برجسته تفکیک نقش، با بررسی خانواده هسته‌ای در قرن بیستم معتقد است که ساختار خانواده حاصل تمایزپذیری و تفکیک در دو محور سلسله مراتب قدرت و نقش‌های ابزاری در مقابل نقش‌های احساسی-عاطفی است. از نظر وی تفاوت نقش زن و شوهر در خانواده ناشی از تفاوت‌های زیستی آنان است. نقش مرد، ابزاری و نقش زن، احساسی-عاطفی است (آهلاندر و باهر^۱، ۱۹۹۵:۵۷). زنان بنا بر وضعیت بیولوژیک‌شان در تولید مثل، غریزه پرورش دیگران را دارند که این غریزه آنها را برای ایفای نقش پر احساس در خانواده هسته‌ای کاملاً شایسته می‌سازد (گرت، ۱۳۸۰:۱۶). نظریه‌پردازانی که قائل به تفکیک نقش در خانواده‌اند، معتقدند که تقسیم نقش در خانواده مبتنی بر جنسیت بوده و هر یک از زوجین متناسب با ویژگی‌های جنسیتی خود وظایف و مسئولیت‌های خاصی را بر عهده دارند. زنان با توجه به این ویژگی‌ها، عهده‌دار نقش همسری و مادری بوده و وظیفه حمایت عاطفی از خانواده را دارند. در حالی که مردان به علت توانایی‌های جسمی خود باید عهده‌دار تأمین معاش و امور اقتصادی خانواده باشند و از آنجا که قدرت مالی به دست مردان است، از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده برخوردار خواهند بود.

از نظر پارسونز و سایر کارکردگراها، خانواده زمانی دارای کارکرد مؤثر است که نوعی تقسیم کار جنسیتی در آن برقرار باشد تا نقش زن و مرد متفاوت از یکدیگر ایفا شود.

نظریه‌های جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی نیز رابطه میان زن و شوهر را پیامد روابط جنسیتی می‌داند که نشان‌دهنده مردانگی یا زنانگی است. این دیدگاه مبتنی بر قوانینی است که باعث تسهیل باز تولید جنسیت و روابط جنسیتی می‌شود (براینز^۲، ۱۹۹۴:۶۵۳). روابط میان زوجین مبتنی بر گرایشاتی است که در جریان جامعه‌پذیری درونی شده و به همین علت افراد انتظار دارند که متناسب با جنسیت‌شان با فرصت‌های متفاوت در فضای عمومی

1 . Ahlander, N.R. & Bahr, K.S.

2 . Brines, J.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۷۷

و زندگی اجتماعی مواجه شوند (لوین^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۴). در این دیدگاه تقسیم کار خانگی بر پایه تبیین‌های جنسیتی، جایگاهی برای نمایش و بازتولید جنسیت زنان و مردان است. در مدل خانواده سستی، مسئولیت مرد در تأمین درآمد خانواده باعث تثبیت وابستگی مالی زنان به شوهران خود و افزایش قدرت مردان در خانواده می‌گردد. در واقع محرومیت زنان از حضور در حوزه عمومی و عدم اشتغال در خارج از خانه، زمینه‌ساز تداوم نگرش‌های مبتنی بر نقش‌های جنسیتی و فرودستی مقام زنان در خانواده و جامعه و دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌گردد. با تغییر الگوهای اشتغال و نگرش در خانواده سستی و نیز کسب قدرت مالی توسط زنان راه برای ایجاد تحول در این نگرش‌ها گشوده شده است. در این نظریه رابطه قابل توجهی میان ایدئولوژی‌های جنسیتی و روابط زوجین وجود دارد که از جمله آن‌ها جریان تصمیم‌گیری در خانواده است که در تحقیقات به فراوانی از آن به عنوان عامل تثبیت‌کننده روابط قدرت یاد شده است (دنتون^۲، ۲۰۰۴: ۱۱۵۴).

نظریه‌های فمینیستی

جامعه‌شناسان فمینیست به بررسی موقعیت زنان در خانواده پرداخته و معتقدند که خانواده محل ستم بر زنان است که در آن دو ساختار در هم تنیده برای زنان دست اندرکار است:

۱- جایگاه زن در مقام همسر و مادر

۲- روندهای تربیتی خانواده که منش‌های زنانه و مردانه را در فرزندان نهادینه می‌کند و بدین تربیت سلطه مرد و فرودستی زن را تداوم می‌بخشد (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

آن اکلی (۱۹۸۲) معتقد است که زنان در زندگی خانوادگی چهار حوزه را تجربه می‌کنند: ۱- تقسیم کار جنسیتی: از زنان انتظار می‌رود مسئولیت کارهای خانه و بچه‌داری را بر عهده بگیرند و این یعنی که زنان از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند و به پولی که مال خود بدانند دسترسی ندارند. ۲- تفاوت نیازهای عاطفی زنان و مردان: از زنان انتظار می‌رود با کلافگی‌ها و عصبانیت شوهر و فرزندان‌شان بسازند ولی خودشان کسی را ندارند که به او روی آورند. ۳- تفاوت توان بدنی و بنیه اقتصادی زن و شوهر که ممکن است سبب شود زنان اختیاری بر منابع مالی نداشته باشند. از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی ناتوان باشند و حتی با خشونت فیزیکی از جانب شوهر روبرو شوند. ۴- سپردن اختیار روابط جنسی و کنترل باروری به دست مردان (همان: ۱۲۰).

¹ . Lewin, Epstein. , et.al.

² . Denton, M.

طرفداران ایدئولوژی نقش جنسیتی بر این باورند که روابط جنسیت همواره ادامه دارد و حاصل آن قدرت نابرابری است که موجب برتری مردان در خانواده و بازار کار می‌گردد و پیامد آن وابسته نگه‌داشتن زن به منابع مرد است. در این ایدئولوژی فرض شده است که کار خانه از منزلت پایین‌تری برخوردار است و هر کسی که از قدرت و استقلال بیشتری برخوردار است، از انجام این کار که منزلت کمتری دارد احتراز خواهد کرد (آهلاندر و باهر، ۱۹۹۵: ۵۸). برخی از طرفداران فمینیسم مارکسیستی نیز علت اصلی تبعیض‌های جنسیتی و فروتنی زنان را عدم ورود آنها به عرصه‌های عمومی و محرومیت از کار همراه با مزد ذکر می‌کنند (خسروی، ۱۳۸۲: ۲۵).

نظریه منابع

در این نظریه قدرت در خانواده، به وسیله عضو که منابع بیشتری را عرضه می‌کند، کنترل می‌گردد. به عبارتی هر چه مرد به منابع مهم و ارزشمندی مانند شغل، تحصیلات و درآمد دسترسی بیشتری داشته باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار خواهد بود (والروینینگ، ۱۹۹۰: ۶۲۳). نظریه منابع، تقسیم کار در خانه را منعکس کننده قدرت متفاوت زوجین در خانواده معرفی می‌کند که ناشی از ملاحظات عقلانی و اقتصادی است (آهلاندر و باهر، ۱۹۹۵: ۵۷). لذا عامل تعیین‌کننده در تقسیم کار خانگی میزان برخورداری از منابع به خصوص منابع اقتصادی است. به عبارتی، فردی که درآمد بیشتری دارد کار کمتری را در خانه انجام می‌دهد. از سوی دیگر فرض شده است که اشتغال از نظر اهمیت در اولویت اول قرار دارد و کار خانگی در اولویت دوم، زیرا کار خانگی فایده کمتری از کار دستمزدی دارد. از آنجا که مردان تأمین‌کننده امور مالی خانواده و نان‌آور اصلی می‌باشند و دسترسی بیشتری به منابع دارند، از قدرت بالاتری در اتخاذ تصمیمات برخوردار خواهند بود و سهم کمتری در انجام کار خانگی به علت منزلت پایین این فعالیت‌ها دارا می‌باشند. زنان توانایی کمتری از شوهران‌شان در به دست آوردن منابع با ارزش و قابل اطمینان برای خانواده (مانند درآمد) دارند. پس مسئولیت انجام کار خانگی بیشتر بر عهده آنها خواهد بود (لوین، ۲۰۰۵).

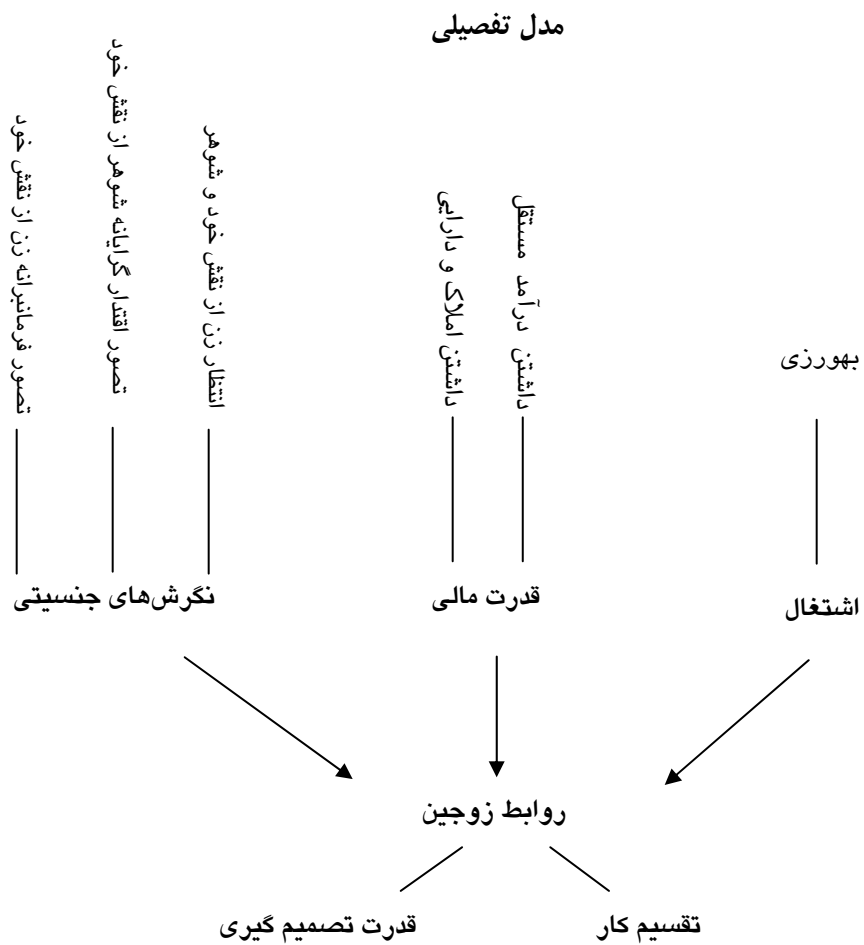
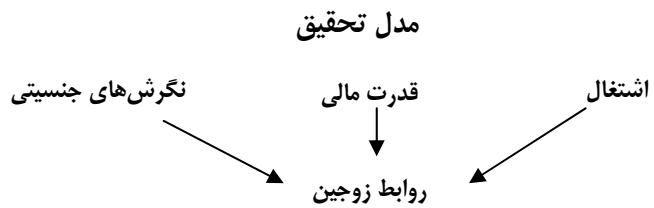
بسیاری از تحقیقات انجام شده در این نظریه نشان دادند که میان اشتغال زنان و نحوه تقسیم کار بین زن و مرد در محیط خانواده، رابطه وجود دارد. به عبارتی اشتغال زن موجب می‌شود که مردان مشارکت بیشتری در رسیدگی به کارهای خانه داشته باشند و همچنین مشارکت زنان در زمینه امور مالی و تصمیم‌گیری، افزایش خواهد یافت (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۷۹

با توجه به مباحث نظری، روابط سه متغیر اشتغال، قدرت مالی و نگرش‌های جنسیتی با روابط زوجین بررسی می‌گردد. روابط زوجین از طریق اندازه‌گیری میزان مشارکت زنان در اخذ تصمیمات مهم و چگونگی تقسیم کار در خانه قابل حصول است. به‌علاوه رابطه متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات، سال‌های ازدواج، سن شوهر، تحصیلات شوهر و شغل وی با روابط زوجین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری تحقیق

اکثر تحقیقات در زمینه بررسی و تبیین روابط زوجین با تکیه بر نظریه‌هایی انجام می‌شود که بخش مهمی از چگونگی و چرایی موقعیت فرودست زنان در خانواده را ناشی از وضعیت اقتصادی آنان معرفی می‌کند. تئوری منابع با طرح دسترسی به منابع ارزشمند، معتقد است که زنان به دلیل عدم اشتغال به مشاغل با درآمد مستقل و نداشتن تمکن مالی، قدرت ناچیزی در اخذ تصمیمات مهم در خانواده دارند. اشتغال زنان به دنبال خود کسب درآمد را به همراه دارد و می‌تواند توزیع سنتی قدرت را در خانواده تغییر داده و موجب افزایش سهم زنان در اتخاذ تصمیمات و همچنین مشارکت شوهران در انجام کارهای خانگی شود. نظریه‌های فمینیستی نیز موقعیت فرودست زن / مادر نسبت به شوهر / پدر را تا حدی معلول وابستگی اقتصادی دانسته ولی ایدئولوژی‌های فراگیر خانواده را نیز در ایجاد آن بی‌تأثیر نمی‌دانند. از نظر آنان ایدئولوژی نقش جنسیتی هم در خانواده و هم در جامعه ریشه در روابط اطاعت و سلطه میان زن و مرد دارد که حاصل آن برتری مردان و وابسته نگهداشتن زن به منابع مرد است. در نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی به عنوان رفتارهای مورد انتظار، نگرش‌ها، وظایف و رجحان‌هایی که یک جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد تعریف می‌شوند. ادراک زوجین و ایدئولوژی‌های آنها در مورد نقش جنسیتی عامل مهمی در تثبیت روابط قدرت محسوب می‌شود و این روابط مبتنی بر گرایشاتی است که در جریان جامعه‌پذیری درونی شده‌اند. این تئوری معتقد است علی‌رغم تأثیر اشتغال زنان و درآمد آنان بر تعدیل روابط نابرابر میان زوجین، تا زمانی که خانواده مکان بازتولید روابط جنسیتی است انتظار ایجاد تغییرات بنیادی از طریق منابع و سرمایه‌های اقتصادی در زنان میسر نخواهد شد. بنابراین قدرت مالی، نگرش‌های جنسیتی و اشتغال زنان می‌تواند هر یک سهمی را در نوع و چگونگی رابطه میان زوجین ایفا نماید که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است.



فرضیات پژوهش

- ۱- میان اشتغال زنان و روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۲- میان قدرت مالی زنان و روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۳- میان نگرش‌های جنسیتی زنان و روابط زوجین رابطه وجود دارد.
- ۴- میان متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، سال‌های ازدواج، سن شوهر، تحصیلات شوهر) با روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام گرفته است. واحد تحلیل در آن، خانواده و سطح مشاهده، فرد می‌باشد. ابتدا، منابع موجود در این زمینه با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی مطالعه گردید و سپس چارچوب نظری تهیه و متغیرها و شاخص‌های مسئله تعیین، و اطلاعات مورد نیاز به وسیله پرسشنامه تکمیل شد. نحوه سنجش و آزمون هر یک از متغیرهای تحقیق با استفاده از سؤالات باز و بسته، به صورت طیف‌های مجموع نمرات و مقیاس لیکرت انجام شد. پس از تهیه پرسش‌نامه مقدماتی و پیش‌آزمون، پرسش‌نامه نهایی تدوین شد. جامعه آماری این تحقیق، تعداد ۴۰۰ نفر از زنان متأهل دارای حداقل یک فرزند، ساکن در روستاهای استان تهران بوده است که نیمی از آنان شاغل و نیم دیگر خانه‌دار هستند که در توصیف اطلاعات مقایسه شده‌اند. حدود ۲۰۰ نفر از زنان شاغل (بهورز) و متأهل بخشی از اعضای نمونه را تشکیل دادند. تعداد کل بهورزان زن استان تهران ۳۲۰ نفر است که از این تعداد نزدیک به ۲۷۰ نفر متأهل هستند و از این تعداد، حدود ۲۰۰ نفر با توجه به هدف تحقیق با مشورت مسئولان آموزشگاه بهورزی و مسئولان گسترش شبکه هر شهرستان انتخاب شدند. بخش دیگر جمعیت نمونه تحقیق شامل ۲۰۰ نفر از زنان متأهل و خانه‌دار است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این مرحله با انجام نمونه‌گیری شهرستان‌های استان تهران براساس موقعیت جغرافیایی آنها و نزدیکی به یکدیگر و اینکه در یک مسیر قرار داشتند؛ به چهار گروه تقسیم شدند و از هر گروه دو شهرستان به شرح زیر انتخاب شد:

گروه اول: شهرستان‌های شمیرانات، دماوند (شرق، شمال شرق)

گروه دوم: ساوجبلاغ و شهریار (غرب و شمال غرب)

گروه سوم: پاکدشت و ری (جنوب غرب)

گروه چهارم: اسلامشهر و رباط کریم (جنوب غرب)

از هر شهرستان، دو روستا که بهورزان نیز در آن قرار داشتند؛ انتخاب شد و با ۲۰۰ نفر از زنان خانه‌دار در روستاهای مذکور از طریق رجوع به درب منازل و مصاحبه، اطلاعات جمع‌آوری گردید. اطلاعات مربوط به بهورزان با مراجعه به خانه بهداشت روستا و شبکه‌های بهداشت شهرستان‌ها گردآوری شد. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، با توجه به سطوح سنجش، در دو سطح توصیفی دربرگیرنده شاخص‌های پراکندگی، تمرکز و سطح تحلیلی؛ شامل آزمون‌های آماری، ضرائب همبستگی و تحلیل رگرسیونی پردازش شد. در ادامه، ابتدا تعریفی از متغیرهای اصلی و پس از آن خلاصه‌ای از شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق ارائه می‌شود.

متغیر وابسته: روابط زوجین

در این پژوهش، روابط زوجین در خانواده به‌عنوان متغیر وابسته در دو بُعد تقسیم کار و قدرت تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گرفت که برای هر کدام از این دو بُعد، شاخص‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته شد:

۱- تقسیم کار

برای سنجش تقسیم کار از معرف‌هایی همچون امور اقتصادی (شامل خرید روزانه، خرید وسایل فرزندان مانند لباس، کیف و وسایل مدرسه، خرید کالاهای ضروری مانند یخچال، تلویزیون، فرش و)، امور داخلی خانه (شامل پخت و پز، شستن ظرف، شستن لباس، اطو کشیدن، جارو زدن، مرتب کردن خانه، آماده و جمع کردن سفره و تعمیرات وسایل منزل) و امور فرزندان (شامل عوض کردن لباس، حمام بردن، خواباندن، غذا دادن، دکتر بردن، رسیدگی به درس، سر زدن به مدرسه، صحبت و نصیحت کردن و توجه و رسیدگی به مسائل و مشکلات فرزندان) استفاده شده است و میزان مسئولیت زن در هر یک از امور ذکر شده و میزان مشارکت شوهر در همان امور مورد سؤال قرار گرفت. به‌عنوان مثال پرسیده شد؛ مسئولیت پخت و پز تا چه اندازه به عهده شماست؟ تا چه اندازه شوهرتان در این مورد با شما مشارکت دارد؟ برای سنجش آن از طیف ۵ قسمتی لیکرت (از خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شد. با جمع نمرات، شاخص تقسیم کار به دست آمد.

۲- قدرت تصمیم‌گیری

روابط زوجین در بُعد تصمیم‌گیری با دو شاخص همسر محوری (محوریت یکی از زوجین در حوزه‌های تصمیم‌گیری) و اختیار در تصمیم‌گیری توسط زن، مورد سنجش قرار گرفت.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۸۳

شاخص همسر محوری در حوزه‌های مختلفی مانند امور اقتصادی (شامل خرید یا تعویض خانه، ماشین، خرید وسایل خانه مانند یخچال، فرش، تلویزیون، خرید زمین، پس انداز پول، نحوه صرف درآمد برای مخارج روزانه)، امور اجتماعی (شامل رابطه با دیگران مانند رفت و آمد با اقوام، دوستان، معاشرت با همسایگان، مهمانی گرفتن، مسافرت رفتن و همچنین امور مربوط به فرزندان مانند انتخاب اسم، مدرسه، دوست، رشته تحصیلی، شغل و ادامه تحصیل و ازدواج فرزندان) و باروری (مانند تصمیم‌گیری در مورد فرزندان و انتخاب فاصله سنی میان آنها) و سایر امور مانند تصمیم‌گیری در مورد پخت و پز و انتخاب محل زندگی مطرح گردید. هر یک از موارد در قالب یک طیف ۵ قسمتی مورد پرسش قرار گرفتند که تشکیل شده بود از:

فقط شوهرم، اغلب اوقات شوهرم، مشترکاً، اغلب خودم، فقط خودم. به‌عنوان مثال پرسیده شد: اگر قرار باشد منزلتان را عوض کنید چه کسی در خانواده شما تصمیم نهایی را می‌گیرد؟ شاخص اختیار تصمیم‌گیری زن در خانواده نیز به منظور بررسی میزان برخورداری زن از قدرت و اختیار در اخذ تصمیمات در قالب طیفی ۵ قسمتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف با ۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت. به‌عنوان مثال: شوهرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر مرا می‌خواهد.

شاخص تصمیم‌گیری پس از جمع‌نمراتی که پاسخگو از پاسخ به سؤالات و گویه‌های مربوط به این دو شاخص داده بوده به دست آمد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این تحقیق را اشتغال زنان (بهورزی)، نگرش‌های جنسیتی و قدرت مالی تشکیل می‌دهد.

۱- اشتغال

اشتغال بیرون از خانه که همان شغل بهورزی در روستا است به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی و مستقل در نظر گرفته شد.

۲- نگرش‌های جنسیتی

نگرش‌های جنسیتی با سه معرف: انتظار زن از نقش خود و شوهر در خانواده، تصور اقتدارگرایانه شوهر نسبت به زن و تصور فرمانبرانه زن از نقش خود در مقابل شوهر، با استفاده از طیف ۵ قسمتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد. برای هر معرف تعدادی گویه در نظر گرفته شد. به‌عنوان مثال انتظار زن از نقش خود و شوهر با ۷ گویه سنجیده شد: تنها مسئولیت مرد کسب درآمد برای خانواده است. و یا اگر مادر شاغل باشد بچه‌ها آسیب می‌بینند. گویه‌های تصور اقتدارگرایانه شوهر نسبت به زن با ۴ گویه ساخته شد. به‌عنوان مثال: شوهرم معتقد است که زن باید

از همسرش حرف‌شنوی کامل داشته باشد. و تصور فرمانبرانه زن از نقش خود نیز با ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفت. پس از جمع نمراتی که پاسخگو از هر یک از گویه‌های مربوط به این شاخص به دست آورد، شاخص نگرش‌های جنسیتی ساخته شد.

۳- قدرت مالی

در این پژوهش برای سنجش قدرت مالی به سرمایه‌ها و منابع اقتصادی که پاسخگو در اختیار دارد توجه شده است. قدرت مالی به صورت برخورداری از سرمایه‌های اقتصادی مانند درآمد (بهورزان) یا برخورداری از ملک یا دارایی که به نام خود پاسخگو باشد؛ مورد سنجش قرار گرفت.

با جمع نمرات گویه‌ها، متغیرهای مذکور در سطح سنجش فاصله‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند.

-رابطه متغیرهای زمینه‌ای شامل، سن، تحصیلات، سال‌های ازدواج، سن شوهر، تحصیلات شوهر به‌عنوان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (روابط زوجین) بررسی شدند.

پایایی و اعتبار متغیرهای تحقیق

به منظور حصول اطمینان از اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد یعنی از طریق نظرخواهی از اساتید و مطالعات نظری و تحقیقات تجربی، پرسشنامه تهیه و مورد آزمون مقدماتی قرار گرفت تا نارسایی‌ها و ابهامات سؤالات و گویه‌ها رفع گردد. در آزمون مقدماتی پرسشنامه با ۲۰ نفر (۱۰ نفر بهورز، ۱۰ نفر زن خانه‌دار) تست و گویه‌های نامناسب حذف شدند. در سنجش روایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول (۱) ضریب روایی طیف‌ها در پرسشنامه مقدماتی و نهایی

پرسشنامه نهایی		پرسشنامه مقدماتی		متغیرها
ضریب روایی	تعداد گویه	ضریب روایی	تعداد گویه	
۰/۷۰	۴۰	۰/۶۱	۴۴	تقسیم کار
۰/۸۵	۲۳	۰/۶۹	۲۶	تصمیم‌گیری
۰/۷۴	۷	۰/۷۳	۷	انتظار از نقش زن و مرد در خانه
۰/۷۷	۴	۰/۷۲	۵	تصور سلطه‌گرایانه مرد از نقش خود
۰/۷۴	۳	۰/۶۴	۴	تصور فرمانبرانه زن از نقش خود
۰/۷۳	۶	۰/۶۵	۶	اختیار تصمیم‌گیری

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۸۵

یافته‌های تحقیق

در ابتدا ویژگی‌های فردی و خانوادگی پاسخگویان معرفی می‌شود. سن پاسخگویان به‌طور میانگین ۳۴ سال است و ۲۴ درصد از آنها دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۱ درصد راهنمایی، ۳۱ درصد دبیرستان و فقط ۳/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم می‌باشند. به‌طور کلی میانگین تحصیلات پاسخگویان ۸/۳۲ سال، یعنی سوم راهنمایی است. سن همسر پاسخگویان نیز به‌طور میانگین ۳۸ سال و میانگین تحصیلات آنها نیز ۸/۵ سال یعنی سوم راهنمایی است. به لحاظ شغل همسر نیز نتایج نشان داد که ۲۶/۸ درصد از شوهران دارای شغل آزاد، ۲۵/۵ درصد کارمند، ۱۹/۳ درصد کارگر و بقیه نیز راننده، کشاورز و یا بازنشسته بوده‌اند. میانگین مدت زمان ازدواج پاسخگویان نیز ۱۳ سال می‌باشد.

شاخص نگرش‌های جنسیتی

در جدول ذیل توزیع فراوانی و نسبی شاخص نگرش‌های جنسیتی که از ترکیب سه متغیر ساخته شده بود، در ۵ طبقه توصیف شده است:

جدول (۲) توزیع شاخص نگرش‌های جنسیتی

خانه‌دار		شاغل		طبقات
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۱۵/۷	۳۱	خیلی کم
۱۰	۲۰	۵۲	۱۰۳	کم
۳۱/۵	۶۳	۲۸/۳	۵۶	متوسط
۴۷	۹۴	۳	۶	زیاد
۱۱/۵	۲۳	۱	۲	خیلی زیاد
۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۱۹۸	جمع
۴۴/۶۸		۳۰/۸		میانگین

همانطور که مشاهده می‌شود تنها ۴ درصد زنان بهورز، نگرش‌هایشان بسیار زیاد مبتنی بر نقش‌های جنسیتی بوده است در حالی که این میزان در زنان خانه‌دار ۵۸/۵ درصد است. در مقابل ۶۷/۷ درصد زنان بهورز، میزان کم و خیلی کم نگرش‌های جنسیتی را نشان می‌دهند و این موضوع در زنان خانه‌دار تنها به ۱۰ درصد می‌رسد. بنابر این

میزان نگرش‌های جنسیتی زنان خانه‌دار بیش از زنان بهورز است. میانگین نمرات پاسخگویان خانه‌دار (۴۴/۶۸) درصد) بیش از میانگین نمرات پاسخگویان بهورز (۳۰/۸ درصد) است که مؤید دیدگاه فوق است.

شاخص قدرت مالی

قدرت مالی (اقتصادی) پاسخگویان از طریق بررسی برخورداری از ملک یا دارایی مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول (۳) توزیع داشتن قدرت مالی

طبقات جواب	بهورز		خانه‌دار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیر	۱۴۴	۷۲	۱۷۳	۸۶/۵
بله	۵۶	۲۸	۲۷	۱۳/۵
جمع	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که آیا پاسخگویان صرف‌نظر از بهورز بودن یا نبودن از قدرت مالی به‌صورت برخورداری از ملک یا دارایی، برخوردارند یا خیر؟ از میان بهورزان (۲۸ درصد) و از میان خانه‌دارها (۱۳/۵ درصد) از یک منبع اقتصادی که به‌صورت بالقوه متعلق به خودشان باشد، برخوردارند.

شاخص تصمیم‌گیری در خانواده

از ترکیب دو شاخص حوزه‌های تصمیم‌گیری و نحوه تصمیم‌گیری زن در خانواده، شاخص تصمیم‌گیری در امور خانه سنجیده شد که نتایج حاصل از آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۴) توزیع شاخص تصمیم‌گیری

طبقات	بهورز		خانه دار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی کم	۴	۲	۲۶	۱۳
کم	۷۵	۳۷/۷	۱۰۲	۵۱
متوسط	۹۹	۴۹/۷	۶۲	۳۱
زیاد	۲۱	۱۰	۱۰	۵
جمع	۱۹۹	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰
میانگین	۸۵		۷۵	

طبق جدول (۴) ۵۹/۷ درصد زنان بهورز، از سهم متوسط به بالا در تصمیم‌گیری‌ها برخوردارند در حالی که تنها ۳۶ درصد زنان خانه‌دار از سهم متوسط به بالا در اخذ تصمیمات در خانواده برخوردارند. در مقایسه،

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۸۷

میانگین نمرات پاسخگویان بهورز (۸۵) بیش از میانگین نمرات زنان خانه‌دار (۷۵) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زنان بهورز، از سهم بیشتری در اخذ تصمیمات در خانواده برخوردار هستند.

شاخص تقسیم کار در خانواده

از جمع نمرات هر پاسخگو از متغیرهای تقسیم کار، این شاخص ساخته شده است.

جدول (۵) توزیع شاخص تقسیم کار

خانه‌دار		بهورز		طبقات
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶/۶	۱۳	۷	۱۴	خیلی کم
۶۴/۵	۲۹	۳۷	۷۴	کم
۲۶/۵	۵۳	۴۴/۵	۸۹	متوسط
۲/۵	۵	۱۱/۵	۲۳	زیاد
۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	جمع
۱۰۶		۱۱۴/۶۱		میانگین

همانطور که مشاهده می‌شود ۵۶ درصد زنان بهورز از تقسیم کار مشارکتی متوسط به بالا برخوردارند در حالی که ۲۹ درصد زنان خانه‌دار ابراز کرده‌اند از چنین امکانی برخوردارند. به عبارتی در خانواده‌هایی که زنان خانه‌دار هستند اشتراک زوجین در کارهای خانگی کمتر مشاهده می‌شود. با مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان به تفکیک بهورز و خانه‌دار نیز مشاهده می‌شود که میانگین نمرات پاسخگویان خانه‌دار (۱۰۶) کمتر از میانگین نمرات پاسخگویان بهورز (۱۱۴/۶۱) است که حاکی از تقسیم کار مشارکتی بالاتر در خانواده‌هایی است که زنان بهورز هستند.

شاخص روابط زوجین در خانواده

از ترکیب دو شاخص تصمیم‌گیری و تقسیم کار، شاخص روابط زوجین ساخته شد.

جدول (۶) شاخص روابط زوجین در خانواده

خانه‌دار		بهورز		طبقات
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵	۱۰	۴/۵	۹۱۹	خیلی کم
۳۸	۷۶	۹/۵	۸۵	کم
۳۷	۷۴	۴۲/۷	۶۳	متوسط
۱۸	۳۶	۳۱/۷	۲۳	زیاد
۲	۴	۱۱/۶		خیلی زیاد
۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۱۹۹	جمع
۱۸۱		۲۰۰		میانگین

طبق جدول ۴۳/۳ درصد زنان بهورز ابراز کرده‌اند با همسران‌شان در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم کار در خانه مشارکت دارند. در حالی که تنها ۲۰ درصد زنان خانه‌دار چنین پاسخی داده‌اند. ۴۲/۷ درصد زنان بهورز و ۳۷ درصد زنان خانه‌دار ابراز کرده‌اند که مشارکت در این روابط در حد متوسط است، یعنی سهم زنان در اخذ تصمیمات و سهم مردان در انجام کارهای خانگی در حد متوسط است. در مقابل تنها ۱۵ درصد زنان بهورز در مقابل ۴۳ درصد زنان خانه‌دار گفته‌اند مشارکت زوجین در این روابط در حد پایین و کم است. با توجه به میانگین نمرات می‌توان نتیجه گرفت که زنان بهورز بیش از زنان خانه‌دار ابراز کرده‌اند که سهم زیادی در اخذ تصمیمات مربوط به خانواده دارند و همچنین شوهران‌شان مشارکت بیشتری در انجام کارهای خانگی دارند. به عبارت دیگر مشارکت زوجین در تصمیم‌گیری و تقسیم کار در خانواده میان زنان بهورز بیش از زنان خانه‌دار شده است.

بررسی روابط میان متغیرها

پس از ارائه توصیف مختصری از شاخص‌های موجود در پژوهش، این بخش به بررسی فرضیات اصلی تحقیق پرداخته است.

رابطه اشتغال و روابط زوجین

بین اشتغال زنان با روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد. این رابطه از طریق آزمون t بررسی شد.

جدول (۷) رابطه اشتغال بهورزان با روابط زوجین

Eta	سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	اشتغال	متغیر مستقل متغیر وابسته
۴۰	۰/۰۰۰	-۸/۸۶	۰/۳۶۴	۳/۳۸	بهورزی	تقسیم کار
			۰/۲۴۳	۳/۱۱	خانه‌دار	
۴۴	۰/۰۰۰	-۹/۸۳	۰/۳۷۰	۳/۱۸	بهورزی	تصمیم‌گیری
			۰/۴۴۴	۲/۷۸	خانه‌دار	
۵۳	۰/۰۰۰	-۱۲/۷۱	۰/۵۰۲	۶/۵۷	بهورزی	شاخص روابط زوجین
			۰/۵۶۱	۵/۸۹	خانه‌دار	

رابطه تقسیم کار در امور خانواده میان زوجین و اشتغال، نشان می‌دهد که میان میانگین‌های میزان تقسیم کار بر حسب اشتغال پاسخگویان تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین تقسیم کار برای زنان بهورز مقدار بیشتری را نشان می‌دهد. به این معنا که تقسیم کار مشارکتی در خانواده‌هایی که زن بهورز است، بیش از خانواده‌هایی است که زن خانه‌دار است. شدت رابطه میان دو متغیر فوق ۰/۴۰ است به عبارتی رابطه‌ای در حد

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۸۹

متوسط میان دو متغیر وجود دارد. رابطه تصمیم‌گیری در امور خانواده میان زوجین و اشتغال نشان می‌دهد که میان میانگین‌های تصمیم‌گیری در خانواده بر حسب اشتغال پاسخگویان، تفاوت معنادار وجود دارد. به بیان دیگر مشارکت زنان در اخذ تصمیمات زندگی در خانواده‌هایی که زن بهورز است بیش از خانواده‌هایی است که زن خانه‌دار است. شدت رابطه میان دو متغیر فوق ۰/۴۴ است. به عبارتی رابطه‌ای در حد متوسط میان دو متغیر وجود دارد. رابطه اشتغال و روابط زوجین در خانواده، بیانگر اینست که میان میانگین‌های روابط زوجین در خانواده بر حسب اشتغال، تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین روابط زوجین برای زنان بهورز مقدار بیشتری را نشان می‌دهد. یعنی مشارکت زنان در اخذ تصمیمات و مشارکت شوهران در کارهای مربوط به خانه در خانواده‌هایی که زن بهورز است بیش از خانواده‌هایی است که زن خانه‌دار است. یعنی روابط مشارکتی میان زوجین در خانواده‌هایی که زن بهورز است، بیشتر است. شدت این رابطه ۰/۵۳ است یعنی رابطه‌ای در حد متوسط به بالا. لذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

رابطه نگرش‌های جنسیتی و روابط زوجین

بین نگرش‌های جنسیتی با روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد. این رابطه از طریق ۲ پیرسون محاسبه شد.

جدول (۸) ضرایب همبستگی پیرسون بین ابعاد و شاخص نگرش‌های جنسیتی

با ابعاد و شاخص روابط زوجین

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تقسیم کار	تصمیم‌گیری	شاخص روابط زوجین
تصور سلطه‌گرایانه	تصور فرمانبرانه زن	۰/۳۶-	۰/۵۱-	۰/۵۶-
مرد نسبت به زن	تصور فرمانبرانه زن از نقش خود	۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/
انتظار از نقش زن و مرد	انتظار از نقش زن و مرد	۰/۲۵-	۰/۳۹-	۰/۴۲/
شاخص نگرش‌های جنسیتی	شاخص نگرش‌های جنسیتی	۰/۳۵-	۰/۴۱-	۰/۴۹-
		۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/
		۰/۳۹-	۰/۵۲-	۰/۵۹-
		۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/	۰/۰۰۰/

با استفاده از ۲ پیرسون شدت و جهت رابطه میان دو متغیر نگرش‌های جنسیتی و روابط زوجین سنجیده شد. همبستگی میان دو متغیر ۰/۵۹- است که حاکی از یک رابطه قوی و منفی میان این دو متغیر است. به این معنا که هر چه نگرش‌های افراد بیشتر مبتنی بر نقش‌های جنسیتی باشد، شاهد مشارکت کمتری در روابط زوجین در دو بُعد تصمیم‌گیری و تقسیم‌کار در خانواده هستیم و هر چه نگرش‌های فرد کمتر مبتنی بر

نگرش‌های سنتی و جنسیتی باشد، بیشتر شاهد افزایش سهم زن در اخذ تصمیمات مربوط به امور زندگی و مشارکت بیشتر مرد در انجام کارهای مربوط به خانه هستیم. به عبارتی، هر چه نگرش‌های فرد کمتر مبتنی بر تفکیک نقش‌ها بر اساس جنسیت باشد، روابط زوجین بیشتر بصورت مشارکت در امور مربوط به خانواده است. بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

رابطه قدرت مالی و روابط زوجین

بین قدرت مالی زنان با روابط زوجین در خانواده رابطه وجود دارد. این رابطه از طریق آزمون t بررسی شد.

جدول (۹) رابطه قدرت مالی و روابط زوجین

متغیر وابسته	متغیر مستقل	قدرت مالی	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری	Eta
تقسیم کار		دارد	۳/۳۶	.۳۶۲	-۷/۷۲	۰/۰۰۰	.۳۶
		ندارد	۳/۱۱	.۳۴۶			
تصمیم‌گیری		دارد	۳/۱۶	.۳۷۶	-۹/۹۹	۰/۰۰۰	.۴۴
		ندارد	۲/۷۵	.۴۴۵			
شاخص روابط زوجین		دارد	۶/۵۷	.۵۲۵	-۱۲/۰۷	۰/۰۰۰	.۵۱
		ندارد	۵/۸۷	.۵۵۸			

رابطه تقسیم کار در امور خانواده و داشتن قدرت مالی، نشان می‌دهد که میان میانگین‌های تقسیم کار مشارکتی در خانواده بر حسب داشتن قدرت مالی، تفاوت در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. میانگین تقسیم کار در امور خانواده برای زنانی که از درآمد و یا دارایی به نام خودشان برخوردار هستند، مقدار بیشتری را نشان می‌دهد به عبارت دیگر می‌توان گفت مشارکت شوهران در کارهای خانه در خانواده‌هایی که زن دارای درآمد و یا دارایی است، بیش از خانواده‌هایی است که زن از هیچ درآمد یا دارایی برخوردار نیست. شدت رابطه میان دو متغیر فوق ۰/۳۶ است یعنی رابطه‌ای در حد متوسط میان دو متغیر وجود دارد. رابطه تصمیم‌گیری در امور خانواده و داشتن قدرت مالی نیز نشان می‌دهد که میان میانگین‌های تصمیم‌گیری در خانواده بر حسب داشتن درآمد و یا دارایی به نام خود پاسخگو، تفاوت معنادار است. میانگین تصمیم‌گیری برای پاسخگویی که از قدرت مالی برخوردار هستند، مقدار بیشتری را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که سهم زنان در اخذ تصمیمات در خانواده‌هایی که زن از قدرت مالی برخوردار است، بیش از خانواده‌هایی است که زن از هیچ قدرت مالی برخوردار نیست. شدت رابطه نیز در حد متوسط است. رابطه برخورداری از قدرت مالی و روابط زوجین در خانواده، نشان می‌دهد که میان میانگین‌های روابط زوجین بر حسب داشتن قدرت مالی، تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین روابط زوجین برای پاسخگویی که از قدرت مالی برخوردار هستند مقدار

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۹۱

بیشتری را نشان می‌دهد. بنابراین سهم زنان در اخذ تصمیمات و مشارکت شوهران در کارهای خانه در خانواده‌هایی که زن از قدرت مالی برخوردار است، بیش از خانواده‌هایی است که زن از هیچ درآمد و یا دارایی به نام خودش برخوردار نیست که تأیید فرضیه تحقیق است.

بررسی رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای با روابط زوجین

برای آزمون فرض چهارم، رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفتند. همه متغیرها در سطح فاصله‌ای قرار داشتند. لذا از ضریب همبستگی ۲ پیرسون استفاده شد که جدول زیر نشان‌دهنده آن است.

جدول (۱۰) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای زمینه‌ای با ابعاد و شاخص روابط زوجین

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	سن پاسخگو	تحصیلات پاسخگو	سال‌های ازدواج	سن شوهر	تحصیلات شوهر
ابعاد روابط زوجین	۰/۱۶	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۲۶
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تقسیم کار	۴۰۰	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸
	-۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۱۵
تصمیم‌گیری	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	۰/۰۰۳
	۴۰۰	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸
شاخص روابط زوجین	۰/۱۵	۰/۳۰	۰/۲۷	-۰/۲۰	۰/۲۴
	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۴۰۰	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸

۱- رابطه سن پاسخگو و روابط زوجین

بررسی همبستگی میان دو متغیر سن و روابط زوجین نشان داد که بین سن پاسخگو با شاخص روابط زوجین ($r = -۱۵$) و بُعد تقسیم کار ($r = -۱۶$)، یک رابطه منفی، ضعیف و معنادار وجود دارد. یعنی هر چه سن پاسخگو بیشتر است، تقسیم کار و روابط زوجین کمتر مبتنی بر مشارکت است. اما میان سن پاسخگو و بُعد تصمیم‌گیری رابطه معنادار نیست.

۲- رابطه تحصیلات پاسخگو و روابط زوجین

رابطه دو متغیر تحصیلات پاسخگو با روابط زوجین، از طریق ۲ پیرسون بررسی شد. بررسی نتایج یک رابطه مثبت، ضعیف و معنادار ($r=30$) میان دو متغیر را نشان داد. یعنی هر چه تحصیلات پاسخگو بیشتر است، روابط بیشتر مبتنی بر مشارکت است. به این معنا که از یک سو سهم زنان در اخذ تصمیمات مربوط به امور خانواده افزایش یافته و از سوی دیگر میزان مشارکت شوهر در انجام کارهای مربوط به امور خانه افزایش می‌یابد که حاکی از وجود روابط مشارکتی و نه مبتنی بر تفکیک جنسیتی در خانواده‌هایی است که پاسخگو از تحصیلات بالاتری برخوردار است.

۳- رابطه سال‌های ازدواج و روابط زوجین

نتایج حاصل از ۲ پیرسون میان دو متغیر سال‌های ازدواج و روابط زوجین نشان می‌دهد که یک رابطه منفی، ضعیف و معنادار ($r=-27$) میان دو متغیر وجود دارد. یعنی هر چه سال‌های ازدواج پاسخگویان بیشتر است روابط زوجین کمتر مبتنی بر مشارکت است. به این معنا که سهم زنان در اخذ تصمیمات کمتر است و همچنین تقسیم کار مشارکتی و نه مبتنی بر نقش‌های جنسیتی در خانواده‌هایی که مدت زمان ازدواج‌شان بیشتر است، کمتر دیده می‌شود.

۴- رابطه سن همسر و روابط زوجین

میان دو متغیر سن شوهر و روابط زوجین با توجه به ۲ پیرسون مشاهده شد که یک رابطه منفی، ضعیف و معنادار ($r=-20$) وجود دارد. یعنی در خانواده‌هایی که سن شوهر پاسخگو بیشتر است، از طرفی قدرت تصمیم‌گیری مرد در امور خانواده بیشتر است و از طرف دیگر مشارکتی از جانب شوهر در انجام کارهای خانگی دیده نمی‌شود.

۵- رابطه تحصیلات همسر و روابط زوجین

با توجه به همبستگی دو متغیر تحصیلات شوهر و روابط زوجین مشاهده شد که یک رابطه منفی، ضعیف و معنادار ($r=-24$) میان دو متغیر وجود دارد؛ یعنی هر چه تحصیلات شوهر پاسخگو بیشتر است روابط زوجین بیشتر مبتنی بر مشارکت است. یعنی در خانواده‌هایی که تحصیلات شوهر بالاتر بوده، اشتراک و همفکری در اخذ تصمیمات که نشان از سهم بیشتر زن می‌باشد، بیشتر دیده شده است و همچنین تقسیم کار مشارکتی نیز بیشتر است.

پس از بررسی فرضیات تحقیق و چگونگی رابطه میان متغیرها، از تحلیل رگرسیونی جهت تعیین مهم‌ترین و معنادارترین تبیین‌کننده‌های روابط زوجین استفاده شد.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۹۳

تحلیل رگرسیون روابط زوجین

در این مدل کلیه عوامل مؤثر بر روابط زوجین که در این تحقیق در نظر گرفته شده بودند؛ وارد معادله شدند. متغیر نگرش‌های جنسیتی به عنوان اولین تبیین‌کننده روابط زوجین در خانواده است. به عبارتی پاسخگویی که نگرش‌های آنها بیشتر مبتنی بر نقش‌های جنسیتی است، روابطشان با شوهر، کمتر جنبه مشارکتی دارد. متغیر اشتغال (بهورزی) به عنوان دومین تبیین‌کننده حاکی از آن است که روابط زوجین در میان زنان بهورز بیش از زنان خانه‌دار مبتنی بر مشارکت است. سن پاسخگو به عنوان سومین تبیین‌کننده نشان می‌دهد که روابط زوجین در میان پاسخگویی که سن بالاتری دارند کمتر مبتنی بر مشارکت است تا پاسخگویی که سن کمتری دارند. مقدار R بدست آمده ۰/۶۷ است. ضریب تعیین واقعی نشان می‌دهد که ۰/۴۳ درصد از کل تغییرات روابط زوجین توسط متغیرهای فوق توضیح داده می‌شود.

جدول (۱۱) رگرسیون چند متغیری برای تبیین روابط زوجین

متغیرهای مستقل	Beta	سطح معناداری
نگرش‌های جنسیتی	-۰/۴۳	۰/۰۰۰
اشتغال (بهورزی)	-۰/۲۴	۰/۰۰۰
سن	-۰/۱۹	۰/۰۱۶

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش می‌توان گفت که تحول در نگرش‌های جنسیتی و شغل بهورزی تأثیرات مستقیمی بر روابط زوجین گذاشته است. شغل بهورزی به عنوان یک پدیده جدید در محیط روستایی توانسته است عملکردی متفاوت از اشتغال سنتی، در خانواده و بر روابط زوجین داشته باشد. همانطور که قبلاً اشاره شد نتایج نشان می‌داد که اشتغال سنتی زنان روستایی به عنوان بخشی از وظایف و نقش‌های جنسیتی آنها، تأثیری بر تغییر نگرش‌های سنتی و عملکرد مبتنی بر نقش‌های جنسیتی زوجین، در خانواده نداشت که در ابتدای این بخش به دلایل آن اشاره شد. در حالی که شغل بهورزی به عنوان شغلی که به لحاظ ماهیت و ساختار، غیرسنتی می‌باشد توانسته است اثراتی بر چگونگی روابط زوجین در همان محیط سنتی داشته باشد. هدف از این تحقیق بررسی رابطه عوامل تأثیر گذار بر روابط زوجین بود و نتایج حاصله نشان از رابطه متغیرهایی مانند اشتغال، نگرش‌های جنسیتی و قدرت مالی و متغیرهای زمینه‌ای با روابط زوجین در خانواده‌های روستایی داشت که فرضیات را به اثبات رساند.

شکی نیست که خانواده در طول تاریخ در مسیر تغییر و تحول قرار داشته است، اما آنچه شایان ذکر است، بررسی و توجه به عواملی است که نقش بسزایی در تسریع روند این تغییرات بر عهده دارند. در واقع مطالعات و نظریات مختلف نشان داده‌اند که اشتغال زنان، داشتن استقلال مالی و نوع نگرش‌های جنسیتی از مهمترین عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده هستند. با اشتغال زنان نحوه تصمیم‌گیری (توزیع قدرت) و تقسیم کار در خانه، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. زیرا به قول کستلز اولین پیامد مشارکت زنان در مشاغل درآمدزا، اهمیت یافتن سهم اقتصادی زن در بودجه خانواده و به تبع آن افزایش قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده می‌باشد. با کسب قدرت مالی و ورود زنان به عرصه اشتغال، تقسیم کار سنتی به چالش کشیده می‌شود. تغییرات هنجاری در نگرش‌ها و انتظارات از نقش زن و مرد در خانواده روابط زوجین را به سمت اشتراک و تساوی در نقش‌ها و وظایف سوق داده است. نتایج این تحقیق، یافته‌های مطالعاتی لی (۲۰۰۳) را که در مورد تغییر نگرش‌های جنسیتی زنان روستایی دارای مشاغل غیر سنتی، انجام شده بود، تأیید کرد. اشتغال غیرسنتی، دارای ویژگی‌هایی است که حتی اگر در محیط سنتی روستا هم انجام شود، اثرات قابل توجهی خواهد داشت. همچنین باید اذعان داشت که در نسل‌های جدید، یعنی زوج‌های جوان، نگرش جنسیتی از نقش زن در خانواده تا حدی تغییر کرده است. به طوری که به هر میزان که نگرش‌های فرد کمتر سنتی و کمتر مبتنی بر تفکیک وظایف زن و شوهر باشد؛ شاهد افزایش مشارکت مرد در امور خانه و زن در اخذ تصمیمات خواهیم بود. زنان بدون نفی مسئولیت همسری و مادری، خواستار حضور بیشتر در عرصه عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیمات در هر دو حوزه عمومی و خصوصی هستند. این امر با افزایش تحصیلات در همسران به ویژه در زنان، نمود بیشتری می‌یابد. در الگوی خانواده‌های جواتر با تحصیلات بیشتر و فرزندان کمتر، یعنی نوعاً در خانواده‌های مدرن‌تر که زنان نیز شاغل هستند، روابط زوجین در امور خانه، مشارکتی‌تر شده است.

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
- آرون، ریمون (۱۳۷۷) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۶) اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷ و ۸.
- حیدری، غلامرضا؛ جهان‌نما، فهیمه (۱۳۸۲) توانایی زنان در بخش کشاورزی - روستایی، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۶ دوره ۱.
- خسروی، زهره (۱۳۸۲) مبانی روانشناختی جنسیت، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.

عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران ۱۹۵

کستلز، مائوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد دوم، ترجمه احد علیقیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مشهور، حسین (۱۳۵۵) بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستایی اطراف تهران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲.

هاشمی، مریم (۱۳۷۴) بررسی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان در تولید قالی: تعاونی فرش دستباف بادبزین، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

Ahlander, N.R. & Bahr, K.S. (1995) "Beyond Drudgery, Power, and Equity: Toward an Expanded Discourse on the Moral Dimensions of Housework in Families", *Journal of Marriage and the Family*, 57, 54-68.

Allan, G. & Crown, G. (2001) "Families, Households and Society, Changing Families, Changing Households", Published by Palgrave.

Brines, J. (1994) "Economic Dependency, Gender, and the Division of Labor at Home". *American Journal of Sociology*, Volume 100, Number 3, 652-688.

Coltrane, Scott. (2000) "Research on Household Labor: Modeling and Measuring the Social Embeddedness of Routine Family Work", Sited in: [www. Geocities.com](http://www.Geocities.com).

Danes, S.; Ramona, F.; et.al. (1998) "Perceptions of Couple Decision Making in Panama", *Journal of Comparative Family Studies*, 29 (3), 569-587.

Darvishpour, M. (2003) "Immigrant Women Challenge the Role of Men: How the Changing Power Relationship within Iranian Families in Sweden Intensifies Family Conflicts after Immigration", *Journal of Comparative Family Studies*, 33 (2) , 271- 296.

Denton, M. (2004) "Gender and Marital Decision Making: Negotiating Religious Ideology and Practice", *Social Forces*, 82 (3) , 1151 – 1180.

Isvan, Nilufer A. (1991) " Productive and Reproductive Decisions in Turkey: The Role of Domestic Bargaining", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 53, No. 4, 1057-1070.

Lewin Epstein, et.al. (2005) "Division of House Hold Labor in Germany and Israel: Time Constraints, Resource Dependence and Gender Ideology", Sited in: www.eco.tau.ac.il.

Li, Y. & Lavelly, W. (2003) "Village Context, Women's Status , and Preference among Rural Chinese Women", *Rural Sociology*, Vol. 68, No. 1, 87 – 106.

Malhotra, A., et.al. (2005) "Measuring Women's Employment as a Variable in Internatinal Development", Social Development Group, World Bank.

Meitei, M.H. (2001) "Education or Earning and Access to Resources Determining Women's Autonomy: An Experience among Women of Manipur", Sited in: <http://www.iussp.org>.

Orgili, Y.; Heaton, T. (2006) " Women Status and Marital Satisfaction in Bolivia", *Journal of Comparative Family Studies*, 36 (1), 23-41.